

وضع مهاجران و پناهجویان در اروپای امروز

□ □ نوشته فرانسس وبر

□ □ ترجمه مهید ایرانی طلب

فرانسس وبر وکیل دادگستری بریتانیایی، متخصص حقوق مهاجرت و پناهندگی و از مبارزان ضد نژادپرستی، ضدفاشیسم و دفاع از حقوق پناهندگان است. این متن، ترجمه سخنرانی اوست در بیست و سومین کنفرانس گروه اروپایی انحراف پذیری و نظارت اجتماعی که از اول تا چهارم سپتامبر ۱۹۹۵ در کراس ماگلن، ایرلند شمالی، برگزار شده است. یکی از هدف های این سخنرانی این بوده که نشان داده شود منابع دیگری، جز آنچه از طریق رسانه های گروهی در مورد پناهندگان منتشر می شود، برای به دست آوردن آگاهی و فهم واقعیت ها وجود دارد.

از همه مردمان، تنها جرم شناسان می دانند که «مناسبت» ضروری میان اخلاق و «جرم» یا میان عدالت و قانون وجود ندارد. اما، حتی جرم شناسان هم، ممکن است از دیدن انسانی که در نتیجه ظن بریتانیایی نبودن به زندان افتاده، دچار حیرت شوند؛ انسانی که بیش از شش ماه در زندان پنتوویل بازداشت شده، زیر بازجویی رفته تا سرانجام «اقرار» کرده که بریتانیایی نیست بلکه اهل نیجریه است و بعد معلوم شده که این اقرار حقیقت نداشته و در واقع بخشی از روان پریشی ای بوده که در سایه بازداشت، این انسان را به خود مبتلا کرده است.^۱

شاید بگویند که من دروغ می گویم، و این ماجرا، ماجرای تبه کاری و کیفر نیست، بلکه بازداشت اداری است. اما، وقتی می بینیم که از انسان هایی انگشت نگاری می کنند، حبس شان می کنند، دست و پایشان را می بندند، یا به زور به صندلی هواپیمایشان می بندند و در همین حال داروی آرامش بخش به آنان تزریق می کنند تا «آرام» بمانند، به خود حق می دهیم که بهر سیم؛ مگر این انسان ها چه کرده اند؟ پاسخ این است: کوشیده اند خود را به اروپای غربی برسانند، پناهندگی بگیرند، یا همراه خانواده خود در اینجا بمانند یا کار کنند. اما، همه فوت و فن های پلیسی نوین، همراه زبان آوری های پیوسته به آن، بر ضد این انسان ها به کار گرفته شده

است.

در پایان ماه ژوئیه، بیلی Billy سگ وزارت کشور، پنجاه و یک مهاجر غیر قانونی را در اتاق کامیونی در دوور Dover کشف کرد. این مهاجران اهل هند، پاکستان، چین و ترکیه بودند.^۲ هیچده پناهجویی تاویل، به اندازه این پنجاه و یک نفر خوش اقبال نبودند. آنان که در رومانی، نفری پانصد لیره به یک قاچاقچی داده بودند تا به آلمان برسانندشان، در اتاق در بسته یک تریلی که راننده آن در مرز مجارستان و اتریش به حال خود رهاش کرده بود، همگی، خفه شدند.^۳

دادگاه میدستون Maidstone، مانند دادگاه های دیگری که نزدیک ورودی های هوایی و دریایی استقرار یافته، به طور متوسط، در هر هفته به دو یا سه پرونده تسهیل ورود غیر قانونی (قاچاق مهاجران غیر قانونی) رسیدگی می کند. میزان متوسط محکومیت برای قاچاق کالا دو یا سه سال و برای قاچاق انسان، دوازده ماه زندان است.^۴ وزارت کشور، غیراز سگ، گروه های ویژه مهاجرت، مجهز به ابزارهای دیده بان در شب، دارد که به خاکریزهای کنار جاده ها و پمپ های بنزین نزدیک دوور و دیگر بنادر سر می کشند تا آدم هایی را که از کانتینرها به درون ماشین های سواری انتقال می یابند، پیدا کنند.^۵

آلمان هلی کوپتر، قایق های گشتی و سه نوع ابزار ویژه حساس به دما را برای یافتن انسان هایی که به گونه ای غیر قانونی از مرزهای آن کشور با لهستان می گذرند، به کار می گیرد. این عملیات را پرسنل نظامی در لباس مأموران پلیس انجام می دهند.^۶ قانون تازه ای به پلیس مرزی اجازه می دهد که وسایل نقلیه و ساختمان ها را تا فاصله چند کیلومتری مرز، در جست و جوی مهاجران غیر قانونی، بازرسی کند.^۷ سیوتا و ملیله، خاک محصور اسپانیا در شمال آفریقا، به پنج کشتی گشتی و وسایل رهگیری الکترونیک

مجهز است که هزینه آن‌ها را جامعه اقتصادی اروپا می‌پردازد.^۸ اتریش از سال ۱۹۹۰، یک هزار و پانصد تن از افراد نظامی خود را در مرزها مستقر کرده است.^۹ در مراکش مراکزی برای بازداشت کسانی که مظنون به قصد مهاجرت غیرقانونی به اسپانیا هستند، وجود دارد.^{۱۰}

پول و وقت زیادی صرف بهبود و پیشرفت تکنولوژی نظارت می‌شود. مقادیر زیادی پول صرف پیدا کردن گذرنامه‌ها و اسناد جعلی مسافرت می‌گردد. یکی از بخش‌های گروه ویژه مهاجرت (که امروز نام آن به کمیته ۴، موضوع ستون سوم ماستریخت دگرگون شده) هر دو ماه یک بار سمینارهایی برای شناسایی اسناد جعلی مسافرتی برگزار می‌کند.^{۱۱} اعضای تازه وارد اروپای غربی، بویژه مجارستان، جمهوری چک و لهستان که نقش دولت‌های سپر بلارا برعهده گرفته‌اند و به گونه‌ای روزافزون در مقام سربازان خط مقدم در کار نظارت بر مهاجرت عمل می‌کنند، به شتاب به ابزارهایی چون ابزارهای الکترونیک بازرسی مدارک مسافرت، چراغ‌های مجهز به اشعه ماورای بنفش، ابزارهای تشخیص لایه‌های تشکیل دهنده مدارک و تطبیق دهنده تصویری - طیفی مجهز شده‌اند.^{۱۲} ابزارهایی برای حیات سنجی ساخته شده که نیاز به بازبینی گذرنامه را از میان می‌برد. روش انگشت نگاری دیجیتال و بازرسی الکترونیک مردمک چشم اختراع شده و تشخیص دهنده‌های دستی، در حال حاضر در فرودگاه‌های جان اف کندی و فرانکفورت به کار گرفته می‌شود.^{۱۳}

چرا؟ چه خیر است؟ این افزایش ناگهانی قاچاق انسان و جعل مدارک مسافرتی، در چند سال اخیر از کجا آب می‌خورد؟ مهاجران غیر قانونی کنونی در اروپا چه کسانی هستند؟ نامیل‌های سری لانکا، کردان ترکیه و عراق، چینی‌ها، بوسنیایی‌ها، کروات‌ها، فراریان از خدمت سربازی در یوگوسلاوی پیشین، مردمانی از همه کشورهای آفریقایی و اغلب کشورهای آسیایی. بسیاری از اینان، اگر نگوئیم اکثرشان، می‌خواهند (یا باید)، مطابق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، پناهنده شناخته شوند.^{۱۴} بسیاری دیگر می‌خواهند (یا باید) به دلایل انسان‌دوستانه، جنگ‌زده جنگ‌های بین‌المللی یا داخلی شناخته شوند.

اما در نظر دولت‌های اروپای غربی، این انسان‌ها نشانه‌های مرئی و ناخوشایند تعادل ناپایدار نظم نوپن جهانی و محصول انسانی برنامه‌های جایجائی ساختاری صندوق بین‌المللی پول، یا فروش جنگ‌افزار به رژیم‌های سرکوبگر، یا معامله‌های فاسد تحت عنوان کمک خارجی هستند و شمار این نشانه‌ها بسیار است و رأی‌دهندگان از آنان خوششان نمی‌آید، زیرا فکر می‌کنند این انسان‌ها به علت رقابت برای به دست آوردن قوت روزانه، تهدیدی نسبت به سطح زندگی در مناطق فقیرتر هستند.^{۱۵} گروه تروی TREVI و گروه ویژه مهاجرت برای نخستین بار در اواسط دهه ۸۰، «مهاجر» و «پناهنده» را با «قاچاقچی مواد مخدر، هراس افکن و مجرم»

سیاست پناهندگی در اروپا در انکار، جلوگیری و بازداری خلاصه می‌شود. این سیاست می‌گوید که پناهندگان آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتینی نباید در اروپا باشند، «حرکت‌های بین‌قاره‌ای، به ندرت جنبه محافظتی دارد»^{۱۶} و اساساً چیزی که بتوان آن را پناهنده اروپایی خواند یافت نمی‌شود زیرا اروپای غربی مهد دموکراسی است و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی هم، اکنون، چندان فاصله‌ای با این وضع ندارند. گذشته از همه چیز، «آنان که نگران تجاوز به حقوق انسانی خود هستند، باید تا جایی که می‌توانند در کشور خود بمانند و از مقام‌های کشور خود خواهان محافظت یا اصلاح اوضاع شوند.... افراد، تنها به این دلیل که اهل کشورهایی هستند که سطح امنیت، اقتصاد، امکان‌های شغلی یا آزادی فردی در آن کشورها پایین‌تر از سطح موجود در کشورهای عضو [یعنی کشورهای اروپای غربی] است، مشمول حفاظت‌های مندرج در کنوانسیون ژنو، نمی‌شوند».^{۲۰}

بنابراین، همه جناح‌های حاکم، پناه‌جویان را همچون موجودات «زاید»، «پناهندگان غیر ضروری» و «مهاجران اقتصادی» محکوم کرده‌اند،^{۲۱} و در عوض بخش بسیار اندکی از پناه‌جویان را بعنوان پناهنده پذیرفته‌اند و تازه همین بخش اندک را براساس معیارهایی سخت و پس از طی مراحل طولانی از دیگران جدا کرده‌اند و وجود همین بخش اندک را دلیلی بر رد و انکار دیگران جلوه داده‌اند.^{۲۲} حکومت‌های سویس، دانمارک و بریتانیا، سری لانکای جنگ‌زده را «امن» اعلام کرده‌اند. نیجریه، یعنی همان کشوری که شرکت شل و ورثم نظامی آن در اتحادی نامقدس و خونین برضد اوگونی Ogoni متحد شده‌اند، «امن» است. رومانی، یعنی همان جایی که هنوز «پوگروم»^{*} ادامه دارد و دستگاه دهشتناک امنیتی آن با نامی تازه و با همکاری چهره‌هایی کهنه، بار دیگر سربرآورده، «امن» است.^{۲۳}

روند تعیین کیفر و غیر قانونی شدن [مهاجرت و پناهندگی] در چند سطح جریان یافته است. یکی آن که با دریغ کردن راه‌های قانونی ورود به کشور، پناهندگان را در ردیف خلافکاران جای داده‌اند. شاید حق داشته باشیم فکر کنیم که این اقدام با مقررات کنوانسیون [ژنو] ناسازگار است. درحالی که کنوانسیون بازگرداندن پناهندگان را به کشوری که در آن تحت تعقیب و آزار بوده‌اند، منع می‌کند، درباره پذیرش آنان در کشور دیگر ساکت است. مکانیزم‌های اصلی تعیین کیفر و غیر قانونی ساختن مهاجرت و پناهندگی عبارتست از: اجباری شدن روادید، ممنوعیت‌های اعمال شده بر حمل مسافر و قاعده «کشور امن ثالث». همین تدابیر سبب روی آوردن انسان‌ها به شکل‌های غیر قانونی و خطرناک مسافرت می‌شود.

اجباری شدن روادید، پیش از این، صورتی ویژه و مورد به مورد داشت. هرگاه سیل پناه‌جویان از کشوری که تا آن زمان کسب روادید بوسیله اتباع آن اجباری نبود، آغاز می‌شد، بریتانیا، آلمان، فرانسه و کشورهای بنلوکس روادید را برای شهروندان آن کشور اجباری می‌کردند. حکومت بریتانیا همین کار را، در ۱۹۸۵، در مورد سری لانکا و پس از آغاز «سیل» کردن در ۱۹۸۹ در مورد ترکیه و بعدها با افزایش شمار پناهندگان، در مورد رواندا، بوسنی و جاهای دیگر، انجام داد.^{۲۴} امروز کار برقراری روادید شکل بسیار منظم تری به خود گرفته است. فهرست روادید را به گونه‌ای مشترک و به استناد «همکاری بین الدول» مقرر در ستون سوم [پیمان] ماستریخت تنظیم می‌کنند.^{۲۵} فهرست کشورهایی که اهالی آنها برای ورود به کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیاز به دریافت روادید دارند، اکنون تقریباً ۱۲۹ کشور را دربرمی‌گیرد و شامل همه کشورهای «پناهنده ساز» می‌شود.^{۲۶}

به پناهندگان روادید نمی‌دهند، حتی در صورتی که فرصت تقاضای روادید را داشته باشند.^{۲۷} اما ممنوعیت‌های اعمال شده بر حمل مسافر این اطمینان را پدید می‌آورد که پناهندگان نخواهند توانست، بدون روادید، سوار هواپیما یا کشتی‌ای که مقصد آن اروپای غربی (یا اکنون، یوروستار Eurostar) است، شوند. حکومت بریتانیا، یعنی یکی از نخستین اعمال‌کنندگان این ممنوعیت، بیش از ۶۰ میلیون پوند، از سال ۱۹۸۷ به این طرف، به عنوان جریمه درآمد داشته است.^{۲۸} بدین ترتیب کارکنان شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی، ناچار شده‌اند نقش مأموران امور مهاجرت را بازی کنند و مسافران بی‌روادید یا مسافرانی را که مدارک آنان، ظاهراً، جعلی بوده، بازگردانند.

بنابراین، پناهندگانی که می‌خواهند وارد اروپا شوند یا باید با روادیدهای توریستی وارد شوند یا پول زیادی بابت روادیدهای جعلی «خوب» بپردازند یا بکوشند قاچاقی وارد شوند. همه این راه‌ها یک نتیجه دارد و آن ورود غیر قانونی است. افراد، تنها در صورتی که به محض ورود خود را معرفی و تقاضای پناهندگی

کنند، می‌توانند از اتهام ورود غیر قانونی مصون بمانند. اما در این صورت هم، اگر مسافر زمینی باشند یا در سر راه خود، هواپیما عوض کرده باشند با قاعده «کشور امن ثالث» یعنی واپسین سنگ بنای سدی که آنان را از ورود به کشور بازمی‌دارد، برخورد خواهند کرد.^{۲۹}

در سال ۱۹۹۲، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، تصمیم گرفتند برای بازگرداندن پناه‌جویان به کشورهای «امن» سر راه، بدون توجه به ادعای پناهندگی آنان، تدبیرهای شتابان تری بیندیشند.^{۳۰} آلمان و فرانسه برای استفاده از قواعدی که به آنها - بویژه آلمان - اجازه می‌داد هزاران پناه‌جو را، ضمن نادیده گرفتن حفاظت‌های بنیادی، به کشورهای همسایه بازگردانند، قوانین اساسی خود را دست کاری کردند.^{۳۱}

مفهوم «کشور امن سر راه» به افزایش شدید شمار «پناهندگان گردنده» (Refugees in Orbit) انجامیده است. از برکت این مفهوم، پناه‌جویان از کشوری به کشور دیگر «پرتاب» می‌شوند. نمونه این قضیه ماجرای آن مرد رومانیایی است که با چهار رومانیایی دیگر، در فرانسه، سوار کامیونی شدند که آنان را به انگلیس بیاورد. چهار تن از آنان به تأثیر گازهای زهرآگین در کامیون جان دادند و یگانه بازمانده آنان که به انگلیس رسید، از سوی دولت بریتانیا به فرانسه بازگردانده شد.^{۳۲} نمونه‌ی دیگر، جوان ۱۷ ساله سومالیایی است که شاهد کشته شدن مادرش بود و برای این که به تنها بازمانده خانواده‌ی خود در بریتانیا بپیوندد از طریق ایتالیا به بریتانیا گریخت و حکومت بریتانیا او را به ایتالیا بازگرداند. مرد سومالیایی دیگری را که چند ترکش در سر خود داشت از مسکن‌های قوی اشباع کردند، روی صندلی هواپیمایش گذاشتند و به ایتالیا بازگرداندند... این نمونه‌ها فراوان است.^{۳۳}

مقوله «کشور امن سر راه» به افزایش قاچاق می‌انجامد. هرگاه پناه‌جویی بداند که اگر در بندری انگلیسی تقاضای پناهندگی کند، به بندری در فرانسه بازگردانده خواهد شد، یگانه راهی که برایش باقی می‌ماند ورود غیر قانونی به بریتانیا خواهد بود. اگر پناه‌جویی، در خاک کشوری، تقاضای پناهندگی کند، مقامات آن کشور، سرانجام، ناگزیر از بررسی این تقاضا خواهند بود، اما بهایی که پناه‌جو در این صورت باید بپردازد، ممکن است چند ماه بازداشت باشد. حکومت‌های اروپا، با غیر قانونی کردن و تعیین کیفر برای ورود انسان‌ها به کشور به قصد پناهندگی، دسته‌های قاچاق انسان را پدید آورده‌اند و اکنون می‌کوشند به شدت با این دارودسته‌ها مبارزه کنند. این ماجرا خیلی‌ها را به کشتن داده است. ناخداها، پناهندگان بسیاری را که پنهانی با کشتی‌هایشان سفر می‌کرده‌اند به دریا انداخته و سبب مرگشان شده‌اند، زیرا نمی‌خواستند به دلیل حمل آنان جریمه بپردازند. کشتی‌های روسی، مسافران قاچاق خود را با قایق‌های نجات بادی، در دریای بالتیک، با آن هوای سرد و یخ زده‌اش، رها کرده‌اند تا یا غرق شوند یا سرگردان

حکومت‌ها. اقدام‌های پلیسی، مسلماً، محدود به مرزها نیست. نظارت‌های داخلی به منظور یافتن واردشدگانی که توانسته‌اند از دست پلیس‌های مرزی بگریزند، رو به گسترش است. اکنون، در سویس نه تنها نام همهٔ خارجیان را، بلکه نام سویسی‌هایی را که برای خارجیان دعوتنامه می‌فرستند، ثبت می‌کنند.^{۳۵} در هلند، قوانینی به تصویب رسیده که به موجب آن‌ها بازرسی اوراق شناسایی و اقامتگاه‌ها برقرار گردیده است.^{۳۶} در فرانسه، پلیس این اختیار را، به موجب قانون «پاسکوا» موسوم به «مهاجرت صفر» مصوب ۱۹۹۳، یافته است که اوراق شناسایی «خارجی‌ها»ی مظنون را بازرسی کند؛^{۳۷} در بریتانیا، که هنوز چنین تصمیمی در مورد اوراق شناسایی و بازرسی آن گرفته نشده،^{۳۸} چنین می‌نماید که پلیس، هرگاه فردی غیراروپایی را بازداشت می‌کند (و گاه، حتی، در مورد قربانیان غیراروپایی جرایم) این کار را به ابتکار خود، انجام می‌دهد.^{۳۹} عملیات «ماهی‌گیری» که ضمن آن تمامی نیروی کار سیاه‌پوست را جمع می‌کنند و آنان را برای یافتن چگونگی وضع قانونی‌شان مورد بازرسی قرار می‌دهند، در چند سال اخیر، دوباره رسم شده و شمار واردشدگان غیرقانونی به کشور که در ۱۹۹۴ در بریتانیا بازداشت شده‌اند، نسبت به سال ۱۹۹۳، دو برابر شده است.^{۴۰} توصیه‌ای که در ژوئیه ۱۹۹۵، مطابق با ستون سوم [پیمان] ماستریخت تصویب شده، مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو، نام و مشخصات همهٔ خارجی‌ها را در یک دفتر مرکزی ثبت کنند و به پلیس خود اختیارات گسترده‌ای برای بازرسی دلبخواهی اوراق شناسایی (که در مورد غیر اروپایی‌ها شامل بازرسی اوراق مربوط به اقامتگاه هم می‌شود)، در مواردی ویژه، بدهند.^{۴۱}

در اینجا هم، باز، دور باطلی در کار است، زیرا افزایش شمار واردشدگان غیرقانونی نه تنها به دلیل ناممکن بودن ورود قانونی به کشور، بلکه نتیجهٔ این ترس است (به دلیل میزان انگشت‌شمار پذیرش تقاضای پناهندگی و لغو عملی موقعیت حقوقی پناهندگی انسان‌دوستانه یا «مجوز استثنایی اقامت»^{۴۲}) که تقاضای پناهندگی به بازداشت و اخراج از کشور خواهد انجامید. بنابراین، بسیاری از پناهندگان، اساساً چنین تقاضایی نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند در شرایط پنهانی و غیرقانونی باقی بمانند و تنها زمانی تقاضای پناهندگی کنند که ناگزیر باشند، یعنی زمانی که گرفتار شده باشند. اما وزارت کشور، در این موقع، خودداری پناه‌جو از تسلیم تقاضای پناهندگی در زمان ورود را بهانه کرده و تقاضایش را رد خواهد کرد.^{۴۳}

تا اینجا، راه‌هایی را توضیح داده‌ام که به یاری آن‌ها، بریتانیا در کنار دیگر حکومت‌های اروپایی، پناه‌جویان را بدان واداشته که برای گرفتن پناهندگی به راه‌های غیرقانونی متوسل شوند. اما، زبان‌آوری‌هایی که حاکی از سیل و هجوم پناهندگان زاید است،

○ از نظر دولتهای اروپای غربی، مهاجران و پناه‌جویان نشانه‌های مرئی و ناخوشایند تعادل ناپایدار نظم نوین جهانی و محصول انسانی برنامه‌های جابجائی ساختاری صندوق بین‌المللی پول، یا فروش جنگ‌افزار به رژیم‌های سرکوبگر یا معامله‌های فاسد تحت عنوان کمک خارجی هستند که رأی‌دهندگان اروپائی از آنان بیزارند.

○ دولتهای اروپائی برای توجیه اقدامات خلاف قانون و غیرانسانی خود در مورد مهاجران و پناه‌جویان، به تعیین کیفر از نوع ثانوی متوسل می‌شوند، یعنی تهمت و افترا؛ آنها پناه‌جویان را نه تنها زاید، بلکه خلافکار و هراس افکن جلوه می‌دهند و این کار، گاه با حیل‌گری و بازی با واژه‌ها صورت می‌گیرد. پلیس در بیشتر کشورهای اروپائی قائل به این معادله است: «پناهنده = مهاجر = هراس افکنی که مظنون به ضدیت با کل جامعه است.»

○ پناهندگان، بعنوان مطرودان جدید اجتماعی، در مسافرخانه‌های پست، خوابگاه‌های موقت، شهرک‌های کلبه‌ای، مفت‌آبادها، زیرپل‌ها، در پارک‌ها و ساختمانهای ناامن و متروک در داخل و حاشیهٔ بسیاری از شهرهای اروپای غربی به سر می‌برند و بدین ترتیب هدف حمله و هجوم نژادپرستان محلی، فاشیست‌ها یا پلیس قرار می‌گیرند.

بمانند. پاره‌ای دیگر در قایق‌های کوچکی رها شده‌اند که می‌بایست آنان را با گذر از تنگهٔ جبل الطارق از شمال آفریقا به اسپانیا برساند. کسانی که می‌خواسته‌اند با شنا از رود یخ زدهٔ اودر بگذرند و خود را از لهستان به آلمان برسانند، جان داده‌اند. خیلی‌ها در کانتینرهای فلزی داغ خفه شده‌اند یا به تأثیر گازهای زهرآگینی که برای تمیز کردن این کانتینرها به کار گرفته می‌شود، جان داده‌اند.^{۳۴}

بدین ترتیب، دور باطل تعیین کیفر و غیرقانونی کردن مهاجرت و پناهندگی تداوم می‌یابد: تدبیرهای روزافزون برای جلوگیری از پناه‌جویان از ورود به کشور از سوی حکومت‌ها؛ تدبیرها و ابتکارهای غیرقانونی روزافزون از سوی پناه‌جویان (و افراد متقلب و باندهای سازمان‌یافتهٔ جنایتکار که درآمدی گیج‌کننده از پناه‌جویان به جیب می‌زنند)؛ اقدام‌های نظارتی شدیدتر از سوی

توجهی برای رفتار با همه مهاجران و پناهجویان همچون انسان‌های قانون‌شکن، فراهم می‌آورد و به این رفتار، چه در مرزها و چه در درون «دژ»، دامن می‌زند.

بریتانیا هم مانند بیشتر کشورهای شمال اروپا، به‌طور منظم، از همه پناهجویان، از جمله کودکانی که همراه بزرگترهایشان نیستند، انگشت‌نگاری می‌کند. (توجیه این کار، که سالانه شامل حال حدود چهل هزار تن می‌شود، تشخیص چند متقاضی DSS بوده که یازده تن از آنان مجرم شناخته شده‌اند.^{۲۴}) یک شبکه انگشت‌نگاری... که امروز در مرحله آزمایشی است، «متقاضیان نوبتی» را که در یک کشور دیگر اروپایی تقاضای پناهندگی کرده‌اند، شناسایی خواهد کرد.^{۲۵}

و، البته، پناهجویان، چه ورودشان قانونی بوده باشد، چه غیرقانونی، مرتب بازداشت می‌شوند، حتی کودکان. پاسخ‌هایی که به پرسش‌های پارلمانی داده شده، نشان می‌دهد که، فقط، ۶۰۰ تا ۷۰۰ مهاجر و پناهجو، در یک زمان در بازداشت هستند. این رقم درست، اما، گمراه‌کننده است. سالانه، هزاران تن بازداشت می‌شوند، اما به مدت چند روز یا چند هفته.^{۲۶} برای بسیاری از این بازداشت‌شدگان، بریتانیا چیزی نیست جز پاسگاه‌های پلیس هسلار یا هارموندزورث، یا کمپزفیلد، یا دوور و فاصله میان این پاسگاه‌ها تا بندرگاه مربوطه. دیگرانی برای بیش از یک سال در بازداشت مانده‌اند؛ این مدت در یک مورد، حتی، به پنج سال هم رسیده است.^{۲۷} زیرا، در بریتانیا هیچ محدودیتی برای مدت بازداشت اداری، مطابق قانون مهاجرت، وجود ندارد.

مقررات زندان‌ها، شامل حال بازداشتی‌های اداری نمی‌شود. موازین حداقل ملل متحد یا قواعد اروپایی زندان‌ها، نیز همین‌طور. اما، گزارش سال ۱۹۹۵ کمیته حقوق بشر ملل متحد توصیه کرده است همه کسانی که در کار بازداشت انسان‌ها نقشی دارند از مقررات بین‌المللی درباره رفتار با زندانیان آگاهی داشته باشند.^{۲۸} «گروه چهارم» خبری از این گزارش ندارد، بلکه در کار پرورش گماشتگان ویژه بازداشت، با هزینه ساعتی چهار پوند است که در واقع نخستین واحد ضد شورش خصوصی بریتانیا خواهد بود.^{۲۹} بی‌گمان، پناهجویان، برخلاف زندانیان مجرم، مطابق رأی دادگاه عالی در ۱۹۸۷ که برای توجیه بازداشت ۹ ماهه تأمیل‌ها بر عرشه کشتی ارل ویلیام تا پیش از آن که وزارت کشور ناچار شود، به علت توفان‌های اکتبر آن سال، بازداشت افراد را در کشتی‌ها معلق گذارد، صادر شده، می‌توانند هرگاه که بخواهند کشور را ترک کنند.^{۳۰} دلیل دیگر صدور این رأی، تحقیق در مورد مرگ یک پناهجو بود که پس از پنج روز ماندن در زندان انفرادی خود را به دار آویخت.^{۳۱}

بازداشتگاه کمپزفیلد Campsfield نزدیک آکسفورد، نرده‌هایی به بلندی ۷ متر دارد که در بالای آن سیم‌خاردار کشیده شده، درهای آن قفل برقی دارد و در بیرون و درون آن دوربین‌های ویدیو نصب

شده است.^{۳۲} در فرانسه، سلول‌های زیرزمین کاخ دادگستری که برای زندانی کردن پناهجویان و مهاجران به کار می‌رفت، پس از یک سلسله رویدادهای خشونت‌بار، مانند کتک زدن و یک مورد شروع به تجاوز از سوی نگهبانان و یک مورد خودکشی، به دستور یک قاضی وحشت‌زده در مارس ۱۹۹۵، بسته شد.^{۳۳} در آلمان، اتهام‌های بسیاری در مورد خشونت و بیرحمی پلیس نسبت به پناهجویان... و کانتینرها، بونکرها و اردوگاه‌هایی که به عنوان «اردوگاه‌های تجمی» به کار گرفته می‌شد، در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ مطرح گردید.^{۳۴} در بازداشتگاه گرنهوپ سیوم، در هلند، زاکلین مولاتا به علت نبود مراقبت‌های پزشکی جان داده؛^{۳۵} و اوماساس لومومبا، نوه برادر پاتریس لومومبا به دست نگهبانان زندان نیتویل به قتل رسیده است.^{۳۶}

بازداشتگاه کمپزفیلد در ماه ژوئن سال ۱۹۹۴، پس از آن که بازداشتی‌ها گواهی دادند یکی از پناهجویان مردود را با دهان بند و دست بند از کشور بیرون کرده‌اند، به اغتشاش کشیده شد.^{۳۷} با افزایش شمار اخراج‌ها، شدت بیرحمی هم بالا می‌رود. کار اخراج پناهجویان مردود، با استفاده از داروهای آرامش‌بخش، قباهای بازدارنده، برانکار، نقاب صورت، دستبند، پابند و نوارچسب جراحی صورت می‌گیرد.^{۳۸} نقاب صورت را هلندی‌ها، پس از آن که نوارچسب جراحی بسته شده به دور صورت یک اخراجی رومانیایی سبب صدمه مغزی او شد، ابداع کرده‌اند. استفاده از این نقاب‌ها هم متروک شده، چون معلوم شده که نمی‌تواند جلوی صدای اخراجی‌ها را بگیرد، اما ساخت نقاب‌های «بهرتر» هنوز در دستور کار قرار دارد.^{۳۹} پس از مرگ کولا بانکوله در آلمان، که برای اخراج از کشور تحت اثر داروهای آرامش‌بخش قرارش داده بودند، سفارت نیجریه مقامات آلمانی را در ۲۵ مورد از این گونه قتل‌ها مسئول دانست.^{۴۰}

گفته شده که دهها اخراجی زنجیری درحالی که در تمام طول سفر دست بند و دهان بند داشته‌اند، با دو هواپیمای دربست ویژه از فرانسه اخراج شده‌اند. دلیل انتخاب هواپیمای دربست برای این کار روشن است: مسافرانی که برای به دست آوردن سود یا خوش‌گذرانی به جهان سوم سفر می‌کنند، دوست ندارند چشمشان به اخراجی‌های پریشان‌حالی بیفتد که گاه فریاد می‌کشند، ناسزا می‌دهند و گاه لازم می‌شود به صندلی بسته شوند، یا بسته شده‌اند یا تحت تأثیر دارو قرار گرفته‌اند یا دست و دهان‌شان بسته شده است. این مسافران گاه تحت تأثیر این صحنه‌ها دست به دخالت می‌زنند و گاه از سوار شدن به هواپیماهایی که چنین اخراجی‌هایی را در خود جای داده خودداری می‌کنند.^{۴۱} بدین ترتیب، یک هواپیمای دربست برای بردن یکصد جامائیکایی که برای عید کریسمس سال ۱۹۹۳ به بریتانیا آمده بودند به کار گرفته شد. آنان مورد سوءظن قرار گرفتند و سه روز در کمپزفیلد بازداشت شدند و سپس

مهاجرت بزرگترین تهدید نسبت به امنیت ملی را تشکیل می‌دهد.^{۶۶} گاه پناه‌جویان را به پشتیبانی از گروه‌های ناراضی یا آزادی‌بخش داخلی متهم می‌کنند. حزب پ.ک.ک. در فرانسه و آلمان غیرقانونی اعلام شده و اعضای یا هواداران آن را دستگیر و همچون هراس‌افکنان از کشور اخراج می‌کنند. در بریتانیا، گردان، تامیل‌ها و سیخ‌ها را هراس‌افکن یا هوادار هراس‌افکنی می‌خوانند.^{۶۷}

پلیس قائل به این معادله است: «پناهنده = مهاجر = هراس‌افکنی که مظنون به ضدیت با تمامی جامعه است.» به دنبال کشته شدن دو فرانسوی در الجزایر در اوت ۱۹۹۴، اوراق شناسایی بیست هزار نفر الجزایری [در فرانسه] مورد بازرسی قرار گرفت. پس از ماجرای بمب‌گذاری در مترو، اوراق شناسایی یک میلیون آفریقایی مورد بازرسی قرار گرفته است.^{۶۸}

پناه‌جویان، هرگاه به هراس‌افکنی متهم نشوند، خلافکاران عادی جلوه داده می‌شوند که مرتکب تقلب در استفاده از تأمین اجتماعی در مقیاس گسترده، خرید و فروش مواد مخدر، دزدی و خشونت شده‌اند. این کار، گاه با استفاده از آمارهای جنایی انتخابی با گرایش نژادپرستانه (که حتی خود پلیس هم در موارد دیگر بی‌معنایی آن را قبول دارد) صورت می‌گیرد. غالباً پیوند میان جرم و جنایت و پناه‌جویان با استفاده از سخنان شهرداران، کمیسره‌های پلیس و سیاستمداران، که همگی از تأثیر عظیم و عاری از دید نقادانه رسانه‌های گروهی آگاهند، برقرار می‌شود.^{۶۹}

همه این اقدام‌ها و تدبیرها - نظارت‌های خارجی و داخلی، گرفتن اثر انگشت، بازداشت، مبادله اطلاعات، بازرسی اوراق هویت، حمله و هجوم به مهاجران، اخراج از کشور - تنها یک هدف دارد و آن منزوی کردن گروه مورد نظر در جامعه است. این گروه‌ها از راه‌های صریح‌تری هم به انزوا کشانده می‌شوند، مثلاً جلوگیری از دسترسی «غیرقانونی‌ها»، مهاجران موقتی و در پاره‌ای موارد حتی پناه‌جویان به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن و رفاه. بدین ترتیب، اصل حق برخورداری همگانی از رفاه دولتی بر اساس نیاز فرد، جای خود را به اصل برخورداری از رفاه دولتی بر اساس موقعیت قانونی فرد می‌دهد. در بریتانیا، پیشنهادهاى هاوارد Howard در مورد «تجدیدنظر» در شرایط لازم برای برخورداری از بیشتر امتیازها بر اساس موقعیت قانونی مهاجر بودن، اقدام‌ها و تدبیرهای یک دهه اخیر را گسترش می‌دهد و تثبیت می‌کند و از سوی دیگر همه کسانی را که در کار تأمین رفاه همگانی نقشی دارند، وارد شبکه پلیس مهاجرت می‌سازد.^{۷۰}

به موازات [تصویب] قوانین تازه‌ای که هرگونه یاری به «غیرقانونی‌ها» را ممنوع می‌سازد، از مدیران مدارس خواسته شده که بچه‌های مهاجر را در مدارس خود شناسایی و آنان را اخراج کنند.^{۷۱} در آلمان هزینه‌های رفاه همگانی کاهش یافته و از صورت

○ هدف از تدابیر و اقدامات بی‌رحمانه دولتهای اروپائی در مورد مهاجران و پناه‌جویان، از کنترل‌های سخت و انگشت‌نگاری و بازداشت گرفته، تا حمله و هجوم و اخراج از کشور، تنها یک هدف دارد و آن منزوی کردن گروههای مورد نظر در جامعه است. این گروهها از راههای صریح‌تری هم به انزوا کشانده می‌شوند، مثلاً جلوگیری از دسترسی آنها به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن و رفاه.

○ پیوند دادن پناه‌جویان با جرم و جنایت غالباً با استفاده از آمارهای انتخابی بی‌معنا با گرایش نژادپرستانه، و سخنان شهرداران، کمیسره‌های پلیس و سیاستمداران که همگی از تأثیر عظیم و عاری از دید نقادانه رسانه‌های گروهی آگاهند، صورت می‌گیرد. کسانی که از سوی وزرای کشور و دادگستری اروپا برای تدوین سیاست اروپائی در قبال مهاجرت و پناهندگی به پشت درهای بسته فراخوانده می‌شوند، عبارتند از پلیس‌ها، مقام‌های امنیتی، افسران ویژه مهاجرت و مأموران دولتی. پس جای شگفتی نیست که دست‌پخت آنان بوی یک دولت پلیسی اروپائی بدهد.

دستجمعی از کشور اخراج شدند.^{۶۲} به محض آن‌که پیمان شنجن قوت اجرایی یافت، نخستین اخراج دستجمعی با شرکت مقام‌های فرانسوی، هلندی و آلمانی، که هواپیمای درستی را برای اخراج ۴۴ زئیری از کشورهای مربوطه به کار گرفتند، برای نشان دادن روح همبستگی و همدردی میان این دولت‌ها، صورت گرفت.^{۶۳} ژان لویی دبره، وزیر جدید کشور فرانسه، هدف خود را اخراج بیست هزار تن در سال اعلام کرد و گفت که اخراج دستجمعی ارزان‌تر از اخراج‌های انفرادی تمام می‌شود و به همین دلیل ادامه خواهد یافت.^{۶۴}

گروه ویژه اخراج و جانشین آن سخت سرگرم صدور قطعنامه و پیشنهاد قراردادهایی برای حصول اطمینان از این امر بوده که به هر صورتی از شر مهاجران فاقد مدارک لازم خلاص شود و پیشنهاد کرده است که برای اخراجی‌هایی که در کار اخراج خودشان اخلال می‌کنند، تعیین کیفر شود.^{۶۵}

حکومت‌ها برای توجیه این اقدام‌ها به تعیین کیفر از نوع ثانوی متوسل شده‌اند، یعنی تهمت و افترا؛ [بدین ترتیب که] پناه‌جویان را نه تنها زاید، بلکه خلافکار و هراس‌افکن جلوه می‌دهند. این کار، گاه با حيله‌گری و بازی با واژه‌ها صورت می‌گیرد. وزیران دادگستری و کشور سوئیس و چک گفته‌اند: «جنایت سازمان یافته و

از آن آگاهند و چون هیچ گونه نظارت افکار عمومی بر این مجموعه و کارکرد آن وجود ندارد، بیشتر قضات دادگاه‌ها به راه و روش وزارت کشور گردن نهاده‌اند.^{۷۶}

حتی دادگاه اروپایی حقوق بشر که بسیاری از حقوقدانان و مبارزان اجتماعی بریتانیا، به آن به چشم سرچشمه دادگری نگاه می‌کنند به مقام‌های مربوط به مهاجرت اختیار «تفسیر موسع قانون» را داده است.

منظور این نیست که قانون بی‌فایده است، منظور این است که مبارزه در محدوده قانون، دفاعی و بخشی است از مبارزه‌ای فراگیرتر. در سوئیس و کشورهای اسکاندیناوی، جنبش‌هایی براساس الگوی جنبش‌های مقاومت زمان جنگ شکل گرفته است. این جنبش‌ها، خانه‌های امن و شبکه راه‌های زیرزمینی ویژه خود را دارند.^{۷۷} پناه‌جویان بازداشتی در بریتانیا و دیگر کشورهای اروپا، به گونه‌ای مرتب، به اعتصاب غذا همچون اعتراضی آرام، متوسل شده‌اند.^{۷۸} در ماه مارس ۱۹۹۴، وزارت کشور از گسترش شدید و ناگهانی اعتصاب غذای دوستان زندانی در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های گوناگون به وحشت افتاد. در موارد بسیار نادر، پناه‌جویان بازداشتی دست به اعتراض و خشونت زده‌اند، مانند مورد کمپزفیلد در ژوئن ۱۹۹۴.^{۷۹} گروه‌های حمایت از پناهندگان و مبارزه برای جلوگیری از بازداشت پناهندگان همراه با افزایش موارد بازداشت و گسترش جغرافیایی آن در بریتانیا، پا گرفته‌اند. در ضمن، گروه‌های مبارزان ضد نژادپرستی، مجله‌ها و بنگاه‌های فیلم‌سازی (مانند مایگرنت مدیا (Migrant Media) می‌کوشند مسائل موجود را به آگاهی مردم برسانند.

مرگ جوی گاردن در اوت ۱۹۹۳ و تیره شدن سه مأموری که در ژوئیه ۱۹۹۵ مسئول مرگ او بودند، به گونه‌ای غیرمنتظره و ژرف خشم مردم را نسبت به اخراج بیرحمانه کسانی که «غیرقانونی» شناخته شده‌اند، برانگیخت. بحث‌های همگانی درباره این رویداد، سبب افزایش آگاهی مردم از پیوندهایی که میان امور مهاجرت و پلیس در مورد جماعت‌های سیاه پوست اسکان یافته در این کشور وجود دارد، گردید. در آن سال، برای نخستین بار، در سراسر اروپا، روزی برای اقدام در مخالفت با بازداشت پناه‌جویان تعیین شد. در این روز، اقدام‌هایی در ۱۶ کشور، که از سوی شبکه یونایتد هماهنگ شده بود صورت گرفت، از جمله اعتراض در برابر دفتر اتحادیه اروپا در لاهه و در سالروز تصویب کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و هشت گردهمایی اعتراض‌آمیز دیگر در برابر هشت زندان و بازداشتگاه در بریتانیا.^{۸۰}

آنچه امروز ضرور می‌نماید، روشی است که حمایت از مبارزه پناه‌جویان و ابتکارهایی را که برای خودیاری صورت می‌گیرد و حرکت‌ها به منظور همبستگی را با چانه‌زنی و اقدامات قضایی ترکیب و هماهنگ سازد. پناهندگان از نعمت ابراز خشم برخوردار نیستند؛ آن کسانی در میان ما که چنین توان و امکانی دارند باید آن

نقدی به صورت کوپنی درآمده است. در ایتالیا، زنان مهاجری در موقع زایمان، به علت محرومیت از مراقبت‌های بهداشتی، جان داده‌اند.^{۷۲} و این قضایا سراسر اروپای غربی را در برمی‌گیرد. در ماه ژوئیه، وزیران توافق کرده‌اند که اصول «امتیاز براساس موقعیت قانونی» و «کنترل مهاجرت براساس نقطه دسترسی» را به تمام اروپا تسری دهند.^{۷۳}

این مطرودان نوین اجتماعی در مسافرخانه‌های پست، خوابگاه‌های موقتی، شهرک‌های کلبه‌ای، مفت آبادها، زیریل‌ها، در پارک‌ها و ساختمان‌های ناامن و متروک در داخل و اطراف بسیاری از شهرهای اروپای غربی به سر می‌برند و بدین ترتیب هدف حمله و هجوم نژادپرستان محلی، فاشیست‌ها یا پلیس قرار می‌گیرند.^{۷۴} وضع قانونی شان، آنان را به پذیرش کار برده واروا می‌دارد، مانند مهاجران چینی‌ای که روزی شانزده ساعت در کارگاه‌های لباس دوزی در زیرزمین‌های مادرید جان می‌کنند یا زنان رواندایی که در برابر دستمزد ساعتی ۱/۵ پوند در لندن کار می‌کنند.^{۷۵} احتمال آلوده شدن بچه‌هایی که در این شرایط حاشیه‌نشینی بزرگ می‌شوند، به خلافتکاری، خشونت، بی‌ابرویی و اعتیاد به مواد مخدر افزایش می‌یابد و بدین ترتیب روند کیفرپذیری کامل می‌گردد.

پایداری در برابر تعیین کیفر برای مهاجرت و پناهندگی، در بریتانیا پراکنده و به‌طور عمد نامحسوس و از سوی دیگر، مداوم بوده است. موانع بسیاری در این راه موجود است. مهاجران و پناهندگان امروز با زبان مشترک یا «کشور مادر» با هم پیوند ندارند، یعنی با مهاجرانی که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ از کشورهای مشترک المنافع [بریتانیا] یا دیگر کشورهای استعمارزده به «مرکز امپراتوری» می‌آمدند، تفاوت دارند. موقعیت قانونی منفی، امکان سازمان‌یابی را از میان می‌برد، بویژه در فضایی که تماس تلفنی (یا حتی پیام‌های الکترونیکی) بدون ذکر نام با اداره مهاجرت، پلیس و دیگر مقام‌ها رسماً تشویق می‌شود. کارفرمایی که با کارکنانی روبروست که خیال تشکیل اتحادیه دارند، یا دستمزد و شرایط کاری بهتری می‌خواهند، کافی است که یک بار با یکی از این مقام‌ها تماس بگیرد.

در چنین فضایی، مبارزه قانونی با بازداشت پناه‌جویان یا اجرای درست قانون در مورد آنان، اندک‌اندک از جوامعی که این قوانین برای دفاع از آن‌ها وضع گردیده، دور می‌شود. هیچ اقدامی به آسانی نمی‌تواند جریان رسیدگی قضایی را طی کند. پرونده‌های ساوت‌هال ۳۴۲، برادفورد ۱۲، نیوهم ۸، نیوهم ۷ که در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد به منظور مبارزه با فاشیسم و تأمین حق دفاع از خود برای سیاهپوستان مطرح شد، این واقعیت را به روشنی آشکار کرده است. از آنجا که جنبشی [برای دفاع از حقوق پناهندگان] وجود ندارد، قوانین پناهندگی و مهاجرت، در مقیاسی گسترده، به صورت مجموعه‌ای از رازهای سر به مهر درآمده که فقط حقوقدانان

5. Case files, ongoing.
6. **Statewatch** vol. 3 no 6, Nov - Dec 1993.
7. **IRR European Race Audit** no 12, Mar 1995.
8. «Exporting immigration Control» in *Inside racist Europe*, IRR, 1994.
9. **Migration Newssheet** Aug 1990, Oct 1990.
10. «Exporting immigration Control», above.
11. **Statewatch** vol. 4 no 1, Jan-Feb 1994.
12. the Report of the Working party on a solidarity structure (burden - sharing) of the Group of senior ministers entrusted with the follow - up to the Conference of ministers on the movement of persons Coming from central and Eastern European Countries (Vienna Group, Strasburg, 3 June 1993, Council of Europe; **Statewatch**, vol. 3 no 6, Dec 1993.
13. «The technology of immigration control» in **CARF** no 23.
14. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو درباره وضعیت پناهندگان، پناهنده را چنین تعریف می کند: کسی که به دلایل مستند، از این که به خاطر نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی ویژه یا عقیده ای سیاسی بیم آن دارد که تحت تعقیب و آزار قرار گیرد.
15. «Our passports on our faces» in **CARF** no 6, Jan 1992.
16. «Towards an authoritarian police state» in *Europe: Variations on a theme of Racism, Race & Class*, vol. 32 no 3 Jan 1991.
17. Intergovernmental cooperation on immigration and asylum, **CCME**, Brussels, April 1995.
18. Report of the Working party above.
19. Ad Hoc Group Immigration: Draft resolution on manifestly unfounded application for asylum, Confidential, Brussels 1. 7. 92. The document was leaked to the BBC.
20. Draft resolution above.
21. eg John Pilger, «Racism in pinstripes» in **New Statesman** 20. 12. 91; «Refugees: count down to zero» in **CARF** September 1991; «Few refugees had genuine fear of persecution», in **Guardian** 8. 12. 92.
22. **Statewatch** vol. 5 no 1 Jan - Feb 1995.
23. **Statewatch** vol. 5 no 3, May - Jun 1995; «Exporting immigration Control» above; «Stop the repatriations» in **CARF** no 20, Jun 1994.
24. eg, «Britain slams door on Bosnia refugees», **Independent** 6. 11. 92; «Caught in Britain's visa trap», **Independent** 19. 11. 92.
25. «Visas and external borders» in Intergovernmental cooperation above.
26. *ibid.*

۲۷. مطابق مفاد کنوانسیون ژنو، هیچ کس پناهنده به حساب نمی آید، مگر آنکه در خارج از کشور خود باشد. اما، هرگاه کسی در خارج از کشور خود باشد، استدلالی که برای رد تقاضای او به کار گرفته می شود، این است که این پناهنده، در حال حاضر، در جای امن به سر می برد، بنابراین نیازی به حفاظت یک دولت اروپایی غربی ندارد.

۲۸. قانون مسئولیت حمل کنندگان مصوب ۱۹۸۷ (اصلاح شده) ۲۰۰۰ بوند جریمه برای هر مسافر فاقد مدارک سفر یا مدارک جعلی مقرر می دارد.

را هر چه مؤثرتر به کار گیرند تا به خلافتکاری ها و قانون شکنی هایی که در زمینه پناهندگی صورت می پذیرد، پایان داده شود.

پیوست

پس از ایراد این سخنرانی، کار تعیین کیفر برای پناهندگی و به حاشیه راندن و منزوی کردن پناهجویان با تقدیم لایحه «پناهندگی و مهاجرت» به پارلمان و مقررات تازه تأمین اجتماعی که از پنجم فوریه ۱۹۹۶ قوت اجرایی خواهد یافت، باز هم پیش تر رفته است. از جمله این مقررات این است که همه پناهجویانی که به محض ورود به کشور تقاضای پناهندگی نمی کنند (یعنی ۷۰ درصد از کل پناهجویان) از همه امتیازهای تأمین اجتماعی، از جمله کمک هزینه، کمک های اضطراری، حق اولاد و مسکن محروم می شوند. همه امتیازها قابل تجدید نظر است و می تواند به راحتی لغو شود و همین امر به گونه ای مؤثر پناهجویانی را که بخواهند از حق پژوهش خواهی خود استفاده کنند به مرگ از گرسنگی یا زندانی شدن تهدید می کند. کیفرهای پیش بینی شده در قوانین تازه، کارفرمایان را از استخدام همه کسانی که وضع حقوقی نامطمئن دارند، باز می دارد. هر کس به پناهجویی برای ورود به کشور یاری دهد، مجرم شناخته می شود.

حکومت [بریتانیا] آهنگ آن دارد که به رغم مخالفت کمیته مشورتی تأمین اجتماعی (که نهادی دولتی است) و پایداری پناهندگان، گروه های سیاهپوست، کلیساها، بنیادهای خیریه و اتحادیه های کارگری، با استفاده از تأمین اجتماعی به سیاست خود تداوم بخشد. در ضمن، وزارت کشور به محمد المصری، پناهنده اهل عربستان دستور داده است که به دومینیک (یعنی کشوری که او هیچ گونه پیوندی با آن ندارد) پناهنده شود، زیرا مبارزه او در لندن در راه حقوق بشر، رژیم سرکوبگر سعودی و دوستان جنگ افزار فروش بریتانیایی اش را آشفته خاطر ساخته است.^{۸۱}

□□ منابع و زیر نویس ها

1. Case note (ongoing) 1995.
2. **Independent** 30. 7. 95. For the sniffer dogs, **Statewatch** vol.5 no 3, May - June 1995.
3. **Observer** 16. 7. 95; **Independent** 17.7. 95.

۴. قانون مهاجرت مصوب ۱۹۷۱ جرایمی چون ورود غیر قانونی، اقامت بیش از مدت مجاز، نقض شرایط ترک کشور، تسهیل ورود غیر قانونی، پناه دادن به وارد شدگان غیر قانونی، جلوگیری از کار مأموران مهاجرت، خودداری از پاسخ به بازجویی، دادن توضیحات خلاف واقع را اختراع کرده است. کیفر بیشتر این جرایم شش ماه حبس و اشد کیفر برای تسهیل ورود غیر قانونی هفت سال حبس است.

«ارلین سکیوریتی کانزالتنتز» کار اخراج‌های اخیر را به عهده داشته‌اند. نگاه کنید به:

eg «Campsfield explodes» in **CARF** No 21, Aug 1994, and «The deportation of Ms Nwokedi» in **Stateswatch** vol. 3 no 6 Dec 1993.

50. For the Earl William, see **Runnymede Bulletin**, April, May, June and September 1987.

51. برای آگاهی از چگونگی مرگ کیمپوان سیمبا **Kimpua Nsimba** نگاه کنید به:

Deadly Silence: black deaths in custody, IRR 1991.

52. «Close down Campsfield» in **CARF** no 18, Jan 1994.

53. IRR European Race Audit No 14, Jul 1995.

54. «Prisoners of asylum» in **CARF** no 13 Mar 1993.

55. **Stateswatch** vol. 3 no 3 May-Jun 1993.

56. Amnesty International, UK: Unlawful killing of detained asylum - seeker Omasese Lumumba, November 1993.

57. «Campsfield explodes» in **CARF** no 21, June 1994.

58. eg, Amnesty International: UK: Cruel, inhuman or degrading treatment during forcible deportation, July

1994; **Statewatch** vol. 4 No 5; «No more immigration deaths» in **CARF** No 26, June 1995; and the extensive reporting of the Joy Gardner case in the national press, 29 July 1993 on, and in **Stateswatch** vol. 3 no 4, Jul - Aug 1993.

59. **Statewatch** vol. 5 no 1, Jan - Feb 1995.

60. **Statewatch** vol. 4 no 5, Nov 1994.

61. و این تنها در مورد مسافران صادق نیست. در اکتبر ۱۹۹۴، وزارت کشور کوشید يك پاکستانی را که به شدت مجروح شده بود اخراج کند؛ شدت جراحت این مرد به حدی بود که به ۵۹ بخیه نیاز داشت. خلبان هواپیما با مشاهده وضع این مرد از بردن او با هواپیمایش خودداری کرد:

گاردین ۹۴/۱۰/۲۸.

62. **Independent** 23, 27. 12. 93, 17. 1. 94; **Times** 27. 12. 93.

63. «The accountability of asylum» above.

64. **Independent** 26. 8. 95.

65. Intergovernmental cooperation above for details of resolutions and draft readmission agreement.

پس از آن، دفتر ریاست جمهوری فرانسه پیشنهادهای تازه‌ای ارائه کرده است. هدف این پیشنهادها «اقدام مشترک در زمینه تمرکز و همکاری برای اجرای تدبیرهای مربوط به اخراج» و «اصول مربوط به تهیه پیش‌نویس قراردادهایی در مورد مجوز مجدد» است. این پیشنهادها به عنوان یادداشت‌های توضیحی، از سوی وزارت کشور ارائه گردیده، شماره‌های آن‌ها به این شرح است:

5403/95 and 5402/95, 11. 5. 95. On the criminal offence, see «Combating illegal immigration» above.

66. **Statewatch** vol. 4 no 3, May - June 1994.

67. eg «The making of terrorists and dissidents» in **CARF** No 14 May 1993; «Criminalising the Kurds» in **CARF** no 19 Mar 1994; **Inside racist Europe** above, «Refugees = terrorists» in **Statewatch** vol. 4 no 3 May - June 1994; «Police unit investigates terrorist blackmail», **Independent** 27. 11. 93.

68. **IRR European Race Audit** no 11, December 1994; «France finds immigrant suspects» in **Observer** 30. 7. 95.

• - که غالباً به خطا سبک نوشته می‌شود - م.

69. examples in **Inside racist Europe** above; «Refugees guilty of Tube ticket scavenging racket» in **Evening Standard** 8/94; «Beggar off you cheeky Arab» in **Daily**

افزون بر این، حمل‌کننده هزینه بازداشت و اخراج مسافرا باید، طبق قانون مهاجرت مصوب ۱۹۷۱ بپردازد.

۲۹. کنوانسیون دویلین (کنوانسیون که براساس آن تعیین می‌شود کدام دولت از دولت‌های عضو جامعه اروپا باید به تقاضای پناهندگی‌ای که تسلیم یکی از این دولت‌ها شده، رسیدگی کند) که در ژوئن ۱۹۹۰ به امضا رسیده، نخستین اقدام علیه تقاضاهای «زنجره‌ای» پناهندگی بوده و پناه‌جویان را به نخستین کشور از کشورهای عضو اتحادیه اروپا احاله می‌کند، بدون توجه به مقصد، زبان، فرهنگ و هرگونه پیوند دیگری با کشور مقصد.

۳۰. قطعنامه‌های مربوط به «تقاضاهای بی‌پایه پناهندگی» و «روش هماهنگ در برابر مسائل مربوط به کشور میزبان ثالث» و «قطعنامه درباره کشورهای که، به طور کلی هیچ‌گونه خطر تعقیب و آزار در آن‌ها وجود ندارد»، که مورد توافق وزیران دادگستری و کشور در لندن به تاریخ نوامبر ۱۹۹۲ قرار گرفته، در سند همکاری بین‌الحکومتی، خلاصه شده است.

31. see country summaries in «**Inside Racist Europe**».

32. **Independent** 16.2.94.

33. Europe on Trial, **IRR Race Audit**, 1995; Playing Human Pinball: Home Office practice in safe third country asylum cases, Amnesty International, July 1995.

34. eg **CARF's** annual round - up of deaths from 1992 onwards, in Nos 12, 18 and 24, and «Deaths in transit: the new boat people», **CARF** no 24, Feb 1995.

35. **Statewatch** vol. 4 no 6, Nov - Dec 1994.

36. «Identity cards: not welcome here» in **CARF** no 27, Aug 1995.

37. **IRR European Race Audit** no 4, Jul 1993, No 11, Dec 1994.

38. Identity cards: a consultation document, CM 2879, HMSO, May 1995, and Howard faces revolt over ID Cards **Independent** 8. 8. 95.

39. Ongoing case files, 1995, and see eg **IRR European Race Audit** no 14, Jun 1995.

40. «New instructions on police / immigration raids», **JCWI Bulletin** vol. 5 no 9, summer 1995; **Independent** 20. 7. 95.

41. «Combating illegal immigration»: EU and UK in Concert, in **Stateswatch** vol. 5 no 4, Jul - Aug 1995.

42. eg The last resort: Violations of the human rights of migrants, refugees and asylum seekers, Liberty and JCWI, 1995, for statistics.

۴۳. فرصت (اخیر) تقاضای پناهندگی، عاملی است که این‌نامه مهاجرت (HC395) آن را مقرر می‌دارد و هدف آن این است که به‌وجه منفی در اعتبار تقاضا تأثیر بگذارد.

44. Asylum and Immigration Appeals Act 1993, 24, see «Tory policy: prejudice before fact» in **CARF** no 22, September 1994.

45. Intergovernmental cooperation above.

46. eg **Statewatch** vol. 3 no 3, May - Jun 1993.

47. **Independent** 20. 7. 95. An Amnesty International report, Prisoners without a Voice: asylum - seekers detained in the UK, 2nd ed May 1995, showed that a relatively high proportion of those subsequently recognized as refugees.

48. UN: Human Rights Committee: Consideration of reports submitted by States Parties under Art 40 of the ICCPR, CCPR / c/ 79/ Add. 55, 27. 7. 95.

49. «The accountability of asylum» in **CARF** no 26, Jun 1995; **Statewatch** vol. 5 no 3, May - Jun 1995.

کار بازداشت و حمل مهاجران به حد گسترده‌ای به بخش خصوصی واگذار شده است. شرکت‌هایی چون «لاس‌پری‌ون‌شن اینترنشنال» و

April 1995.

۷۶. آمارهای مربوط به پژوهش خواهی مهاجران، میزان بسیار پایینی را نشان می دهد که بهت آور است و میزان تقاضاهای مردود مربوط به تجدیدنظر در پرونده های مهاجرت چهار برابر پرونده های مربوط به بی خانمانی است. نگاه کنید به:

Hansard 21. 7. 94 Cols 412-3; Judicial review in perspective, Public Law Project, June 1993.

77. eg **Migration newsheet**, passim, for church actions in support of asylum - seekers.

78. **CARF** Passim.

79. «Campsfield explodes» in **CARF** no 21, July 1994.

80. **CARF** no 27, Aug 1995.

81. see **Observer**, **Guardian** and **Independent** throughout December 1995 and in particular **Observer** 17. 12. 95, **Independent** 19. 12. 95, and on al- Masari, **Guardian** 6. 1. 96. see also **CARF** nos 29 and 30, December 1995- January 1996 and February - March 1996.

Star 9. 7. 94.

70. eg From ill treatment to no treatment: the new health regulations, Manchester Law Centre, 1982; Social Security Act 1987; Income Support (General) Regulations 1987, «Benefit quiz condemned as racist» in **Guardian** 16. 10. 87; «No to passport checks» in **CARF** no 14, May 1993; **Statewatch** vol. 4 no 4 Jul - Aug 94, and on Howard's proposals, vol. 5 no 4 Jul - Aug 95.

71. **IRR European Race Audit** no 14, July 1995.

72. eg «identity cards - not welcome here» in **CARF** no 27.

73. Recommendation on harmonising means of Combating illegal immigration and illegal employment and improving relevant means of control, ASIM 188, 16. 6. 95, reported in **Statewatch** vol. 5 no 4 Jul - Aug 1995.

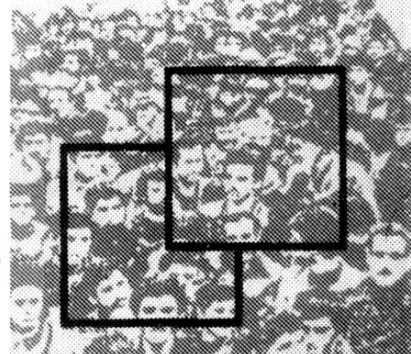
74. eg most issues of **IRR European Race Audit** for racist and on shanty towns and homeless immigrants.

75. «Defend Undocumented Workers» in **CARF** no 25

احزاب سیاسی ایران

با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیستها

تألیف محسن مدیرشانه چی



احزاب سیاسی ایران

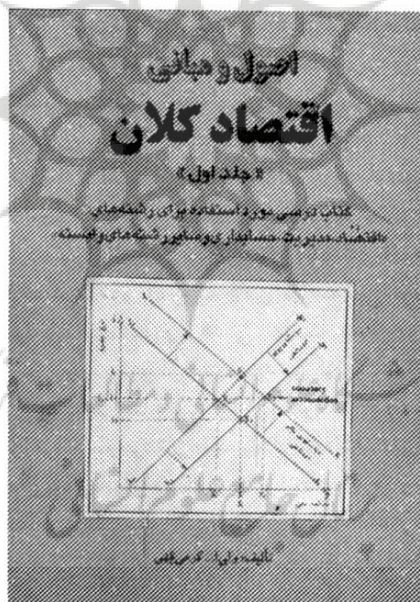
با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه

سوسیالیستها

محسن مدیرشانه چی

انتشارات رسا

۱۳۷۵ - قیمت ۶۵۰ تومان



اصول و مبانی اقتصاد کلان

جلد اول

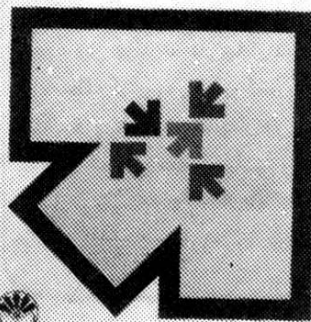
ولی اله کرمی قهی

ناشر: تابان

چاپ اول ۱۳۷۵ - قیمت ۱۰۰۰ تومان

انگیزش و رفتار در کار

ترجمه: سید امین الله علوی



انگیزش و رفتار در کار

جلد دوم

ریچارد ام. سیتزر

لیمان دبلیو. پورتر

ترجمه: سید امین الله علوی

مرکز آموزش مدیریت دولتی

۱۳۷۵ - ۸۲۰ تومان